**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستبراء /

خارج فقه ج 42 - احکام تخلی – 10/9/1400

امر سوم : مرحوم سید فرمودند برای استبراء انگشت وسط دست چپ را بر مخرج غائط می گذارد، این سخن ایشان متن روایتی است که در نوادر راوندی نقل شده «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)‏ مَنْ بَالَ فَلْيَضَعْ إِصْبَعَهُ الْوُسْطَى فِي‏ أَصْلِ‏ الْعِجَانِ[[1]](#footnote-1)‏ ثُمَّ لْيَسُلَّهَا ثَلَاثاً».[[2]](#footnote-2)

چرا مقید به دست چپ کرد ؟ چون در روایات ما را نهی کردند از استنجاء به دست راست و همچنین نهی کردند که با دست راست آلت را مسح کند مخصوصا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)امر کلی دادند که در کارهای پست با دست چپ و امور عالیه با دست راست انجام شود. عن عائشة قالت کانت ید رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الیمنی لطهوره و طعامه و کانت یده الیسری لخلائه و ما کان أذی و عن حفصة زوج رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قالت: النبی( صلی الله علیه و آله و سلم) یجعل یمینه لطعامه و شرابه و ثیابه و یجعل شماله لما سوی ذلک.[[3]](#footnote-3)

امر چهارم : بعد از اینکه از مخرج غائط تا عجان کشید سه بار دیگر خود آلت را می کشد دلیل این مطلب صحیحه عبد الملک بن عمرو است که جلسه قبل گذشت در این حدیث دو عنوان می باشد یکی عنوان خَرَط بجای مَسَح که هو لغویین و هم فقها می گویند خرط همان مسح است اما با فشار بیشتر و دوم غمز است که فشار آن کمتر از خرط است و مجرد کشیدن را می گویند این عناوین مشعر به این است که امر به استبراء تعبدی نیست بلکه ارشادی است ارشاد می‌کند که اگر در مجرا قطره بولی باقی ماند با آن فشار آن قطره ها خارج شود و فرقی نمی‌کند فشار عمیق باشد یا نباشد

امر پنجم : سپس انگشت سبابه بالای مخرج بول و انگشت شصت زیر آن باشد اما در فتوای فقها عکس این مطلب می‌باشد شاید این مطلب از مرحوم سید سهو قلم باشد

امر ششم : سه بار از پایین عورت تا بالای آن با فشار بکشد بعد سه بار سر آن را فشار دهد این کیفیتی که مرحوم سید در عروه نقل کرد در کلام جماعتی از فقها مثل مرحوم شهید ثانی[[4]](#footnote-4)و مرحوم شیخ مفید[[5]](#footnote-5) آمده ولی روایتی در مورد آن نداریم که دلالت بر ترتیب بکند فقط یک روایتی است از صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام که آنهم مال جایی دیگر است که که امام فرمودند از بیخ آلت تا سر آلت سه بار بکشد و به شدت هم سر آلت را فشار دهد

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) رَجُلٌ بَالَ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ مَاءٌ فَقَالَ يَعْصِرُ أَصْلَ‏ ذَكَرِهِ‏ إِلَى طَرَفِهِ ثَلَاثَ عَصَرَاتٍ وَ يَنْتُرُ طَرَفَهُ‏[[6]](#footnote-6) فَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْ‏ءٌ فَلَيْسَ مِنَ الْبَوْلِ وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ‏[[7]](#footnote-7)

تقریب استدلال: از این غایتی که در روایت امام آمده الی طرف که این غایت فشار دادن است که حد و منتهای فشار دادن تا سر آلت است و طبیعی است که از این روایت با این غایت می توان ۹ تا کشیدن را به دست آورد چون هر کسی که سه بار روی آلت را فشار دهد یقینا سه بار خود آن را هم می کشد و سه بار هم پایین آن را هم می کشد

اشکال: از این روایت نمی توان بر فتوای مشهور استناد کرد چون روایت معانی و مفاهیم دیگری هم دارد :

معنای اول : منظور از جمله «يَعْصِرُ أَصْلَ‏ ذَكَرِهِ‏ إِلَى طَرَفِهِ» طرف، خود ذکر است یعنی مابین مقعد تا سر ذکر را سه بار بکشد و منظور از یَنْتُرُ طرف، فشار دادن سر ذکر بعد از اینکه سه بار خود ذکر را کشید و این سه بار را از سه تای خود روایت که بدست می آید که این معنا موافق با قول مشهور است

معنای دوم : منظور از یعصر طرف فشار دادن خود ذکر است و امام علیه السلام فشار دادن سر ذکر را لازم ندانست و این موافق با فتوای کسانی است که شش بار کشیدن را قائلند.

معنای سوم : ذَکره را ذُکْرُه (به ضم ذال و الراء و سکون کاف)بخوانیم به معنای سر ذکر که مطابق با نظر مشهور است چون طَرْف اول در روایت مابین مقعد تا سر و طَرْف دوم خود آلت است که می شود ۹ بار. در مرأة العقول ج ۱۳ ص ۶۱ نسبت به بعض اعاظم داده که ذُکر خوانده‌اند.

نظر استاد: با توجه به این احتمالات نمی توان این حدیث را برای قول مشهور دلیل گرفت چون روایت از نظر معنا مجمل است.

1. - ما بین البیضتین و المقعد. [↑](#footnote-ref-1)
2. - النوادر (للراوندي) ؛ ص39. [↑](#footnote-ref-2)
3. - سنن ابی داوود ج1 ص9. المنتهی للعلامه ج1 ص41. [↑](#footnote-ref-3)
4. - اللمعه الدمشقیه، ج1 ص86. [↑](#footnote-ref-4)
5. - المقنعه، ص40. [↑](#footnote-ref-5)
6. - النتر: الجذب و الاستنتار من البول: استخراج بقيته من الذكر بالاجتذاب و الاهتمام به. [↑](#footnote-ref-6)
7. - **الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏3 ؛ ص19**، بَابُ الِاسْتِبْرَاءِ مِنَ الْبَوْلِ وَ غَسْلِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاء، ح1. [↑](#footnote-ref-7)